

بیانات در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان - 26 / آبان / 1389

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً خوشامد عرض میکنم به شما برادران و خواهران عزیز، که این راه طولانی را پیمودید و در این روز مبارک و روز عید، فضای حسینیّه را با ایمان و عواطف و احساسات خودتان انباشتید. همچنین روز عید قربان را به همه‌ی شما حضار محترم، به مردم عزیز اصفهان، به همه‌ی ملت ایران و به همه‌ی مسلمانان عالم تبریک عرض میکنم. این مناسبت هم، مناسبت بسیار بجائی است. روز بیست و پنجم آبان ماه یکی از نمادهای قربانی دادن و ایثار مردم اصفهان است، که امسال مصادف شده است با عید قربان.

اگر به حکمت مندرج در عید قربان توجه شود، خیلی از راهها برای ما باز میشود. در عید قربان يك قدردانی بزرگ الهی نهفته است از پیامبر برگزیده‌ی حضرت حق، حضرت ابراهیم (علیه السلام) که آن روز ایثار کرد. بالاتر از ایثار جان، در مواردی ایثار عزیزان است. او در راه پروردگار، به دست خود عزیزی را قربان میکرد؛ آن هم فرزند جوانی که خدای متعال بعد از عمری انتظار، در دوران پیری به او داده بود؛ که فرمود: «الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسماعیل و اسحاق» (1). خدای متعال این دو پسر را در دوران پیری، لابد بعد از يك عمر انتظار و اشتیاق، به این پدر داده بود؛ امید فرزند هم دیگر بعد از آن نداشت. سید شهیدان همه‌ی عالم، حضرت اباعبدالله الحسین (علیه الصلاة و السلام) - که خود مظهر ایثار و مظهر شهادت است - در دعای شریف عرفه از این حادثه یاد میکند؛ «و ممسک یدی ابراهیم عن ذبح ابنه بعد کبر سته و فناء عمره»؛ این در دعای مبارک امام حسین در عرفه است که دیروز مؤمنین موفق شدند، این دعا را خوانند.

این ایثار و این گذشت، يك نماد است برای مؤمنانی که میخواهند راه حقیقت را، راه تعالی را، راه عروج به مدارج عالیّه را طی کنند. بدون گذشت، امکان ندارد. همه‌ی امتحانهائی که ما میشویم، در واقع نقطه‌ی اصلی‌اش همین است؛ پای يك ایثار و يك گذشت به میان می‌آید. گاهی گذشت از جان است، از مال است؛ گاهی گذشت از يك حرفی است که کسی زده است، میخواهد با اصرار و لجاجت پای آن حرف بایستند؛ گاهی گذشت از عزیزان است؛ فرزندان، کسان. امتحان یعنی عبور از وادی محنت. يك محنتی را، يك شدتی را جلوی پای يك انسانی یا يك ملتی میگذارند؛ عبور از این محنت، امتحان است. اگر توانست عبور کند، به آن منزل مقصود میرسد؛ اگر نتوانست - نتوانست استعداد مندرج در وجود خود را بروز دهد، نتوانست بر هوای نفس غالب بیاید و عبور کند - میماند؛ امتحان این است. امتحان الهی برای این نیست که خدا ما را بشناسد، ببیند ما در چه وزنی، در چه حدی هستیم؛ خود امتحان در حقیقت يك گام است به سوی مقصد. من و شما که امتحان میشویم، معنایش این است که اگر توانستیم از این شدت و از این محنت عبور کنیم، يك وضع جدیدی، حیات جدیدی، مرحله‌ی جدیدی را به دست می‌آوریم. در این خصوص، يك ملت و يك شخص تفاوتی نمیکند.

در سال گذشته ملت ایران از يك امتحان عبور کرد، از يك فتنه عبور کرد. این معنایش فقط این نیست که حالا همه فهمیدند ملت ایران قوی است؛ بلکه معنای مهمتر آن این است که با این حرکت، با این قدرت بر عبور از فتنه و محنت، این ملت يك وضع جدیدی پیدا کرد؛ يك توانائی تازه‌ای در او به وجود آمد. تمام طول عمر انسان، قدم به قدم امتحانهاست. اگر ما بتوانیم بر هوای نفس خود غالب بیائیم، بتوانیم بصیرت خود را به کار بگیریم، بتوانیم موقع را بشناسیم، بدانیم کار لازم چیست و آن را انجام دهیم، این در ما يك مرتبه‌ی جدیدی از حیات به وجود می‌آورد؛ این يك تعالی است، يك ترقی است. بنابراین روز بیست و پنجم آبان که يك روز برجسته و يك نماد است، چنین حالتی را برای مردم اصفهان دارد.

من لازم میدانم در همین زمینه - مناقب اصفهان، مناقب مردم اصفهان - چند جمله‌ای عرض کنم؛ اینها شناسنامه‌ی این مردم مؤمن و غیرتمند و ایستاده‌ی پای کار به حساب می‌آید. مردم اصفهان در يك روز سیصد و هفتاد شهید را تشییع کردند، خم به ابرو نیاوردند؛ بماند که همان روز اعزام به جبهه داشتند، پشتیبانی داشتند و حرکت کردند؛

این خیلی مهم است. همان طور که فرمودند (2)، امام از این حرکت اصفهان تجلیل کردند. در آبان سال 61 که در يك روز سیصد و هفتاد شهید در اصفهان تشییع شد، تعداد شهدای اصفهان در همان ماه بیش از هزار نفر است. هزار و اندی شهید در يك ماه! خوب، چه کسی شهید میشود؟ آن کسی که در میدان است، در میدان خطر است، پیشرو است.

قبل از انقلاب اصفهان در قضایای مختلف حضور نمایانی داشت، در قضایای انقلاب هم همین جور، در جنگ تحمیلی هم همین جور. یگانهای نظامی مستقر در اصفهان، چه آنچه که متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود؛ لشکر امام حسین با مرکزیت اصفهان، لشکر نجف با مرکزیت نجف آباد، تیپ قمر بنی هاشم، و چه آنچه که مربوط به ارتش بود؛ پایگاه هشتم شکاری که مرکز تحرك عظیمی بود و من از نزدیک کار آن پایگاه را در اصفهان دیده بودم - رحمت خدا بر شهید بابائی - و چه مرکز توپخانه در اصفهان؛ مجموعه‌ی این نقاط خیلی معنا پیدا میکند. نتیجه این میشود که بعد از انقلاب، در عرض جنگ تحمیلی هشت ساله و بعد از جنگ تحمیلی هشت ساله، در میدانهای که برای کشور میدانهای حساسی بوده است، اصفهانی‌ها جزو پیشروان محسوب میشده‌اند؛ در رتبه‌ی رشد و توسعه‌ی کشور، در مسائل علمی کشور. برخی از گره‌های کور ما در نیروهای مسلح، در مراکز علمی و تحقیقاتی اصفهان باز شد. اینها افتخار است، نه برای به خود بالیدن؛ بلکه به معنای پی بردن به هویت خود، به استعداد درونی خود و بر اساس این زمینه، حرکت کردن و به پیش رفتن.

در جنگ هشت ساله، همه میدانند و اشاره هم کردند؛ اصفهانی‌ها با این یگانهای گوناگون، در خطوط مقدم کار میکردند. خوب، این برای همه معلوم است. آنچه که برای خیلی‌ها معلوم نیست، نقش انسانهای گمنام و بی‌ادعائی است که در طول این سالها در زمینه‌ی پشتیبانی‌ها فعالیت کردند؛ زنانی که در خانه بودند، بازاریانی که در کسب و پیشه‌ی بازار بودند، افرادی که در دستگاه‌های اداری مشغول فعالیت بودند، جهادگرانی که انواع و اقسام خدمات را به جبهه میرساندند. از اینها شهید داده هم داریم؛ کسانی که شهید شدند یا شهید دادند، ادعائی هم نداشتند و ندارند، اسمشان هم جائی نیست؛ اما در آسمانها مشهورند، در ملأ‌اعلی شناخته شده‌اند. در محاسبه‌ی الهی، کوچکترین کارها گم نمیشود. این همه کاروان کمک‌رسانی از اصفهان، این همتها، این انگیزه‌ها، آن وقت خانواده‌ی این شهیدان. شهدا يك لحظه سختی را درك کردند و پرواز کردند؛ آنها که رنجی ندارند - «لاخوف علیهم و لاهم یحزنون» (3) - مسئله، مسئله‌ی خانواده‌هاست؛ پدرها، مادرها، همسرها، فرزندها، برادران و خواهران، داغ‌دیده‌ها؛ اینها صبر کردند، اینها افتخار کردند. خانواده‌هائی در اصفهان هستند که سه شهید دادند؛ خانواده‌هائی که يك پسر داشتند، همان پسر را دادند؛ ابراهیم‌های زمان؛ اینهاست که هویت يك ملت را میسازد، اینهاست که يك ملت را به عزت میرساند.

با نشستن و خوردن و خوابیدن و تکیه‌ی به بیگانه کردن و هوی و هوس را در زندگی حاکم کردن، هیچ ملتی به جائی نخواهد رسید. کسانی که وقتی صحبت دفاع مقدس میشود، منفی‌بافی میکنند؛ وقتی صحبت شهادت میشود، نیش‌زنی میکنند؛ وقتی بحث جانباز و ایثارگر پیش می‌آید، چهره در هم میکشند؛ وقتی بحث پیشرفتهای علمی و شکستن مرزهای علم پیش می‌آید، لبخند تمسخر میزنند؛ وقتی بحث سانتریفیوژهای مجموعه‌ی غنی‌سازی هسته‌ای پیش می‌آید، سر تکان میدهند و میگویند امکان ندارد، اینها از حرکت يك ملت چیزی نمیفهمند. تربیت‌شده‌های تربیت غلط و اخلاق فاسد طاغوتی چیزی از تأثیر ایمان و حرکت و جهاد نمیفهمند.

يك ملت وقتی معتقد به جهاد شد، در همه‌ی میدانها پیشرو است. جهاد فقط تفنگ به دست گرفتن نیست؛ جهاد این است که انسان خود را همیشه در میدان حرکت و مبارزه با مانعها و مانع‌تراشها ببیند، احساس تکلیف کند، احساس تعهد کند؛ این میشود جهاد؛ جهاد اسلامی این است. جهاد گاهی با جان است، گاهی با مال است، گاهی با فکر است، گاهی با دادن شعار است، گاهی با حضور در خیابان است، گاهی با حضور در پای صندوق رأی است؛ این میشود جهاد فی‌سبیل‌الله؛ و این است که يك ملت را رشد میدهد، طراوت میدهد، تازگی میدهد، امید میدهد و يك ملت پیش میرود.

خوب، حالا مبارزه‌ی با این ملت چگونه ممکن است؟ آن جبهه‌ی ضد اسلامی و ضد انقلاب اسلامی و ضد نظام

اسلامی که در دنیا به وجود آمد، می‌خواهد با يك چنین پدیده‌ی عظیمی مبارزه کند. چه جوری میتواند مبارزه کند؟ با جنگ امکان ندارد - امتحان کردند، دیدند - با تهدید به جنگ و تهدید نظامی امکان ندارد، با تحریم امکان ندارد. کسانی که خیال میکنند میتوانند ملت ایران را با تحریم به زانو در بیاورند، آب در هاون میکوبند. ملتی که امید دارد، ایمان دارد، میداند دارد چه کار میکند، این ملت را که با تهدید نمیشود به عقب‌نشینی وادار کرد.

برای مقابله‌ی با يك چنین ملتی، اینها هم به همین نکته‌ای که شما به آن توجه کردید (4) - که این هوشیاری شما اصفهانی‌ها را میرساند - توجه میکنند: ایجاد شکاف در میان ملت، به جان هم انداختن آحاد ملت، فاصله ایجاد کردن بین توده‌ی عظیم مردمی کشور با مسئولین، ایجاد سوءظن، ایجاد بگومگو بر سر قضایای هیچ و پوچ. یکی از مهمترین اقلام دشمنی دشمنان با انقلاب اسلامی این است؛ باید مراقب بود.

البته اصفهانی‌ها مراقبت کردند. اصفهانی‌ها در قضایای گذشته خوب عمل کردند. در برابر فتنه‌ی 88، در روز عظیم 9 دی، در آن حرکت خودجوش مردمی، عملکرد درخشانی داشتند. همه باید مراقب ایجاد شکاف، ایجاد فتنه، ایجاد بدبینی نسبت به دستگاه باشند. اینهایی که می‌بینید گوشه و کنار، بدون هیچ قیدوبندی، بدون هیچ ملاحظه‌ای، نظام اسلامی را، دستگاه جمهوری اسلامی را متهم میکنند؛ هرچه از دهنشان در می‌آید، به نیابت از دشمن میگویند؛ برای اینکه اگر صدای دستگاه‌های تبلیغاتی جبهه‌ی ضد اسلام و صهیونیستها و آمریکائی‌ها به گوش کسی نرسید، اینها جبران کنند و همان حرفهای آنها را به گوش مردم برسانند، اینها به ملت خیانت میکنند؛ این در حقیقت يك خیانت واضح است. مردم را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولین، نسبت به خدمتگزاران بدبین کردن، فضای یأس آلود به وجود آوردن، یکی از این راههاست.

یکی از راههای دیگر هم عبارت است از گستردن دستگاه فساد اخلاقی در جامعه. همه، بخصوص جوانها، خیلی مراقب باشند. فساد اخلاقی، انحطاط اخلاقی، متأسفانه به عنوان يك ابزار در خدمت هدفهای سیاسی استکبار است؛ کما اینکه در بسیاری از مراکز عالم، برای ضایع کردن و نابود کردن يك ملت - و البته در کنارش پول درآوردن - مواد مخدر را هم به عنوان يك ابزار در خدمت اغراض سیاسی قرار میدهند. ملت ما، جوانهای ما، مسئولین ما خیلی باید مراقب این چیزها باشند.

اصفهان ظرفیتهای خیلی برجسته‌ای دارد، در گذشته هم همین جور بوده است؛ این ظرفیتهای را قدر بدانید. اصفهان مرکز علم است - علم دین و علوم متنوع گوناگون - در گذشته هم همین جور بوده است، امروز هم همین جور است. امروز خوشبختانه اصفهان حوزه‌ی علمیه‌ی خوبی دارد؛ چند دانشگاه معتبر کشوری هم در آنجا حضور دارند. البته سوابق علمی اصفهان بیش از اینهاست. جا دارد نگاه علما، دانشمندان و محققان در اصفهان به آن افقهای بلند موجود در قرنهای گذشته باشد. يك روزی اصفهان مرکز نورافشانی علمی به همه‌ی کشور، بلکه به همه‌ی دنیای اسلام بوده است؛ باید دنبال يك چنین جایگاهی باشید. اصفهان همچنین در زمینه‌ی هنر، در زمینه‌ی صنعت ظریف و صنایع دستی، برجسته است. اینها هر کدام يك نقطه‌ی روشنی است. اعتقادات دینی و ایمانی مردم اصفهان هم پشتوانه‌ی همه‌ی اینهاست؛ که این در رفتارهای مردم از پیش از انقلاب هم بود، منتها در بعد از انقلاب همه چیز ابعاد وسیع‌تری به خود گرفته است. آن وقتها هم من به اصفهان زیاد رفت و آمد میکردم؛ میدیدم وضعیت تدین مردم را، پایبندی آنها را به شعائر دینی. البته امروز دهها برابر، بلکه صدها برابر آن روز است؛ لیکن این يك پشتوانه‌ی عظیمی است. باید قدر این توسلات و توجهات را بدانید؛ اینها پشتوانه‌ی همه‌ی پیشرفتهای دنیوی و اخروی است.

يك ملت وقتی از ایمان برخوردار بود، احساس میکند هیچ کار او ضایع نمیشود، از بین نمیرود و بیهوده و باطل نیست. به برکت ایمان، همه‌ی کارهای انسان معنا پیدا میکند؛ این ایمان را باید حفظ کرد. امروز ملت ایران به توفیق الهی توانسته است دشمنی‌های گوناگون را ناکام کند. در دنیا اساس دشمنی جبهه‌ی ضد اسلام با جمهوری اسلامی، مسئله‌ی ایمان این نظام و این جمهوری و این ملت به ارزشهای الهی است؛ سردمداران مادی این را برنمیتابند. دشمنی‌ها به خاطر پابندی به ارزشهای الهی است. این يك طرف قضیه. طرف دیگر قضیه هم این است که حرکت پیشرونده‌ی ملت ایران در طول این سی و دو سال، آنچه که بود، به برکت

ایمان الهی و اعتقاد به همین ارزشهاست ؛ این پایبندی را با استحکام فراوان حفظ کنید. بدانید این پیشروی ادامه پیدا خواهد کرد و به توفیق الهی و به حول و قوهی الهی، آن دشمنیها هم به هیچ نقطه‌ای نخواهد رسید و ملت ایران پیروز همه‌ی این ماجراها خواهد بود.

پروردگارا! رحمت خود، فضل خود و نصرت خود را بر این ملت و بر مردم عزیز اصفهان نازل بفرما. قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی بفرما و ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بده.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(1) سوره ابراهیم ؛ آیه 39

(2) حجة الاسلام والمسلمین طباطبائی نژاد (نماینده ولی فقیه و امام جمعه‌ی اصفهان)

(3) سوره یونس ؛ آیه 62

(4) اشاره به شعار «مرگ بر منافق فتنه‌گر» حاضران